

## نامه سید جمال به ناصرالدین شاه

۲۱ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۴۰

از این مکتوب دو نسخه بیشتر موجود نیست که اصل آن نزد معتضد الملک ( نواده ی قوام الدوله ) است. اصل نامه ی سید جمال الدین به ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا علی اصغر خان اتابک افتاده معلوم نیست به نظر شاه رسانده یا نرسانده است.

پس از فوت اتابک این نامه در مابین اوراق منشی او پیدا شده، وراث منشی مذکور آن را به همسایه ی خود داده اند و بعداً دست به دست گشته به معتضدالملک رسید. هنگامی که معتضدالملک حاکم شاهرود بود به تیمورتاش اطلاع دادند که چنین نامه ای نزد حاکم مزبور هست.

تیمورتاش حاضر شد آن را به هر مبلغی ممکن شود خریداری نماید ولی معتضدالملک بهانه آورد که حتی مبلغ پنج هزار تومن هم دادند و راضی به فروش نشده است. بنابراین قرار شد سوادى از آن نوشته شود. جوانی که مأمور استنساخ نامه بود دو نسخه سواد برداشته یک نسخه را برای تیمورتاش برد و نسخه ی دیگر را برای دکتر قاسم غنی فرستاد.

نسخه ی متعلق به تیمورتاش مانند چیزهای دیگر و غالب اسناد و مدارک زندگانی اش به یغما رفت و این نسخه را از کلکسیون ذی قیمت دکتر غنی که مجموعه ای از نوشته های مشاهیر و بزرگان ایران می باشد به دست آورده ایم ( رستاخیز ایران، شماره ی ۷ ). عریضه داشت به سده ی سنیه عالییه و عتبه ی رفیعه ی سامیه اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه ایده الله بالعدل و نصره بالحق و شید دولته بالحکمه و صانها بقدرته عن کید المحالین و حفظها بقوة اراده عن مکر الخائنین و خداع المنافقین و اعز بعز الله کلمه الاسلام و المسلمین آمین.

در مونیخ [مونیخ] وقتی که از شرف و عد احترامات و اجازه مصاحبت موکب همایونی در زمره ی طرب بودم در همان محضر اسنی جناب امین السلطان وزیراعظم چنان پسندیده که عاجز برای اصلاح بعضی امور ضروریه اولاً به پطرسبورغ رفته پس از انجام آنها به ایران بیایم، اعلیحضرت شاهنشاه اقام الله به و دعانا بالعدل استحسان فرمودند در شب همان یوم الشرف پنج ساعت جناب وزیراعظم با این عاجز مکالمه نمودند.

خلاصه اش آنکه اولاً دولت روسیه و رجال و ارباب جراید آن را حق نیست که ایشان را برجاس و نشانه ی سهام ملام نمایند و از در معادات و معانده برآیند، چونکه ایشان یعنی جناب وزیراعظم مالک و صاحب ملک نیستند و رتق و فتق امور به قدرت ایشان

نیست و دیگر آنکه مسئله ی کارون و بنک ( بانک ) و معادل قبل از ارتقای ایشان به رتبه ی وزارت عظمای انجام پذیرفته است. پس حین ورود به پترسبورگ باید در نزد وزارت روسیه ابراء ذمه و تبرئه ی ساحه ی ایشان را بنماییم و تبدیل افکار فاسده ی وزرای روس را در حق ایشان داده و حسن مقاصد و نیت ایشان را درباره ی دولت روس مسجل کنم ثانیاً از این عاجز خواهش نمودند که به مسیو گیس رئیس الوزرا و وزیر دول خارجه و مستشارهای ایشان ویلنکالی و زینوویوف شفهاً بگویم که ایشان، یعنی جناب وزیراعظم، از برای اثبات حسن مقاصد خود در هر حال حاضرند که از طرف روس طریق سهلی ارائه شود و در ظرف چند روز مسئله ی کارون و بنک ( بانک ) و معادن را حل نموده حالت سابقه اعاده نمایند این عاجز چون نجاج مقاصد جناب وزیراعظم را عین رضایت پادشاه اسلام پناه می دانستم به پترسبورگ عودت نمودم و چند نفر را که در سیاحت مشرق زمین با خود هم مشرب می دانستم چون جنرال « بروچف » در حریبه و جنرال « ریختر » در وزارت دربار و جنرال « اغناتیف » سابق سفیر روس در اسلامبول و مادام « نوویکف » که از خواتین نافذ الکلمه است و غالباً در مسائل سیاسی که در میان روس و انگلیس است می کوشد، با خود متفق کردم و در ظرف دو ماه بیست بار با مسیو « گیس » و با مستشارهای ایشان ملاقات کردم. پیش از آنکه در مقاصد جناب وزیراعظم شروع نمایم اولاً در این سعی می نمودم که به ادله و براهین سیاسی و به اعانت هم مشربهای خود، که صلاح دولت روس در مشرق زمین آن است که علی الدوام با دولت ایران که از در مسالمت و مودت و مجاملت برآید و سختگیری و مخاصمت ننماید و در ضمن هر وقت سماح اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه را در اتراک و اراضی ترکمانیه و جاهای دیگر خاطر نشان می نمودم چون دانستم که این مطلب اصلی مسجل شد و مقبول گردید و از برای ایشان انحراف رأی روی داد و آتش غضبشان فرو نشست، در آن وقت مقاصد جناب وزیراعظم را پیش نهاده گفتم وزیراعظم به نفس خود در مونیخ به من گفتند که به شما تبلیغ کنم که ایشان حاضرند اگر شما طریقی نشان دهید که موجب حرب و سبب غرامت نگردد مسئله ی کارون و بنک و معادن را حل نمایند و موازنه ی سابقه که در میان دولت روس و ایران و انگلیس بود دوباره برقرار کنند، و در تلو این مطلب آن قدر که ممکن بود در تبرئه ی ذمه ی جناب وزیراعظم و حسن مقاصد ایشان در حق دولت روسیه چنانچه دوباره هم این مطالب را از پترسبورگ بدیشان نوشتم. مسیو گیس و مستشارهای ایشان پس از آنکه مکرراً از حسن مقاصد و نیت عزم جناب وزیراعظم پرسیدند، گفتند که ما باید در این مسئله با وزیر جنگ و وزیر مالیه اولاً مشورت کنیم و به امپراتور، حاصل شور خود را عرضه نماییم. بعد از آن اگر طریق مناسبی یافت شد که بدان توان حل مسئله را نمود به شما شفهاً خواهیم گفت که به جواب به جناب وزیراعظم برسانند. البته اگر این مسئله به نهجی حل شود که موجب مخاصمه در میان دولت ما و دولت ایران نگردد بهتر است. پس از چندین بار مشورت دو مسلک همه جا پلتیک یکی برای خود و یکی برای جناب وزیراعظم تعیین نموده یعنی گفتند که اگر جناب وزیر اعظم می خواهند ابواب خطرهای آینده را ببندند در جواب رسالت این دو مسلک را بدیشان از طرف ما تبلیغ کن و چون هر یک از ما خط حرکت پلتیک خود را برای دو مسلک معین قرار دهیم مسئله به خودی خود بلاغرامت و بلاجدل حل شده سبب رضایت همه خواهد گردید؛ و این عاجز شادان و خرسند شدم که با قوت الهیه بتنهایی توانستم پس از اطلاع تام از مسالک سیاسی قضیه ی روس در مشرق زمین خدمتی به دولت اسلامی نمایم و وزیراعظم را از خود خشنود کرده باشم. چون به تهران رسیدم در خارج شهر توقف نموده به جناب وزیر اطلاع دادم. جناب ایشان خانه ی حاجی محمدحسن امین الضرب را معین نموده که در آنجا فرود آیم و ایشان را مهماندار مقرر نمودند و این عاجز مدت سه ماه از جای خود حرکت نکردم، به غیر از یک بار آن هم بعد از یک ماه که عز شرف حضور حاصل شد و بدان نویده‌های ملوکانه مفتخر گردیدم و در این مدت جناب وزیراعظم به هیچ گونه از این عاجز سؤال نکرده که در پترسبورگ چه واقع شده جواب آن مسئله که تو را برای آن بدان جا فرستادم چه شد؟ بلی،

در این حدیث چند بار بعضی از حاشیه‌ی خود را برای احوالپرسی فرستاده و عده‌ی ملاقات مفصلی می‌دادند و چون مدتی طول کشید از کیفیت مسئله سؤال شد و در جواب گفتم که تا هنوز از طرف وزیراعظم استفساری نشده است و سبب را هم نمی‌دانم در وقتی که جناب وزیراعظم به وزارت روس معلوم گردد، با همه‌ی آن محاجات و مجادلات و تبلیغات مجملانه این عاجز در پترسبورگ ایشان این امر را مجرد ملاحظه و بازی و اهانت و تحقیر یا خود حيله‌ی سیاسیه که مقصود کشف افکار طرف مقابل است (کاش سؤال می‌شد و کشف افکار می‌گردید) شمرده، به سفارت خود در دارالخلافه‌ی تهران تلگراف نمودند، به سید جمال الدین از طرف وزیراعظم شفاهاً بعضی تبلیغات نمود، اگر وزیراعظم می‌خواهند که در این مسئله داخل شوند، رأساً به نهج رسمی با سفارت روس در تهران یا با سفارت ایران در پترسبورگ مکالمه نمایند. و سید جمال الدین که به نهج غیر رسمی بعضی تبلیغات نمود پس از این طرف بگوید مقبول نیست «لا حول و لا قوة الا بالله» راه و رنج کشیده باید رجوع قهقرا به نقطه‌ی اولی برگشت (شگفت) عقده حل شده را دوباره محکم کردن (شگفت).

علیحضرت شاهنشاه اسلام پناه نتایج این گونه حرکات را به خرد خداداد دیپلماسی از هر کسی بهتر می‌دانند. جناب وزیراعظم چون از آن تلگراف مطلع شدند، به خلاف عادت سیاسیین جهان به جای آنکه تأسف نمایند که چرا افکار سفرای روس را در این ممالک استکشاف نمودند و جوابهای ایشان را استماع نکردند (به عرب صاحب) گفته بودند که من چیزی به سید جمال الدین نگفته بودم که به وزارت روس تبلیغ نمایند. من ایشان را به پترسبورگ نفرستادم.

انا لله و انا اليه راجعون، اینک لعب معکوس، اینک مشکل عقیم، اینک نتیجه‌ی فاسده. با این مسلک چگونه توان راه خطا را بست و از مهلک دوری جست (بلا سبب شبهه‌ها در دلها افکندن و قلوب را متنفر کردن) خداوند تعالی مگر به قدرت کامله‌ی خود از آثار وخیمه این حرکات حفظ کند. و اعجب از این واقعه این است که پس از آنکه وعده‌ی احترامات و ستایش خود را از لسان مبارک علیحضرت شاهنشاهی شنیدم حاجی محمدحسن امین الضرب تبلیغ نمودند که رضایت علیحضرت شاهنشاهی این است عاجز تهران را ترک نموده مجاور مقابر شهر خود بشوم. هرچه در خیایای ذهن تفتیش نمودم سبب را ندانستم که آیا به جهت آن بود که دولت روس را به براهین و وسایط دعوت به مسالمت و مراده دولت ایران نمودم. آیا برای آن است که به خواهش وزیراعظم به پترسبورگ رفته تبرئه‌ی ذمه و حسن مقاصد ایشان با دولت روس کوشیدم. آیا بدین جهت است که طریق حل مسائل را چنانچه خواهش وزیر بود به قدرها به دست آوردم. اگرچه بر مجرب ندامت رواست آنچه به پاداش مهمانی اول به من گذشت مرا کافی بود که دیگر خیال ایران را نکنم اما لفظ شاهنشاه را مقدس شمرده خواستم به خلاف آنچه گفته بودند معلوم گردد که هم خیر خواهم و هم مطیع. دیگر این چه نقش است که با ژاژخایان گوازه بستند. بالله علیکم ثم بالله علیکم اگر نخواستند ظهورات اخیره مرا از مسلک خیرخواهی منحرف و منحرف کند بر من چه ملامت خواهد بود سبحان الله، توهم مزاحمت در مناصب، هر وقت این صاحبان عقول صغیره و نفوس حقیره را بر آن می‌دارد که ذهن وقاد و نقاد علیحضرت را درباره‌ی این عاجز مشوب گردانند، اینک در حضرت عبدالعظیم نشسته تا امر از مصدر عزت صادر شود.

واسئل الله تعالی ان یمدکم بالعدل و الحق و ینصرکم بالحکمه و یشید دولتکم بقدرته و یحرسها عن کید الخائنین، آمین.

منبع : مدرسی چهاردهی، مرتضیٰ (۱۳۸۱)، سید جمال الدین و اندیشه های او، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۸۴۶/شاه-ناصرالدین-جمال-سید-نامه>